

فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۸۵،

بررسی آثار تجاری انعقاد موافقت‌نامه نظام ترجیحات تجاری سازمان کنفرانس اسلامی^۱

حسن ثاقب* علی زاهدطلبان**

پذیرش: ۸۵/۵/۲۳

دریافت: ۸۴/۹/۲۳

منطقه‌گرایی/ نظام ترجیحات تجاری/ ایجاد تجارت/ انحراف تجارت

چکیده

این مقاله به بررسی آثار ایجاد موافقت‌نامه نظام ترجیحات تجاری کشورهای اسلامی (TPS/OIC)^۲ بر جریانات تجاری و درآمدهای تعرفه‌ای ایران پرداخته است. تجزیه و تحلیل‌ها در قالب یک مدل تعادل جزئی تحت سناریوهای کاهش تعرفه‌ای انجام شده است. نتایج تحقیق حاکی است که اگرچه انعقاد موافقت‌نامه واجد آثار ایجاد و انحراف تجارت برای کشورهای عضو بوده و باعث افزایش صادرات و واردات ایران می‌شود، لیکن بدلیل تعرفه‌های بالاتر ایران نسبت به سایر اعضا، کسری موازنه بازرگانی غیرنفتی ایران با سایر اعضا افزایش یافته و درآمدهای گمرکی ایران نیز به رغم افزایش واردات دستخوش نقصان خواهد شد؛ لذا در ادامه توصیه‌هایی پیرامون مذاکرات تعرفه‌ای با کشورهای عضو موافقت‌نامه مذکور ارائه گردید.

طبقه‌بندی JEL: F15, F13 .

۱. این مقاله خلاصه‌ای است از یک طرح تحقیقاتی تحت عنوان «ایجاد تجارت و انحراف تجارت در موافقت‌نامه نظام ترجیحات تجاری کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (TPS/OIC): با استفاده از مدل اسمارت در قالب سناریوهای کاهش تعرفه‌ای» که به مدیر مسئولی آقای سیف‌اله صادقی یارندی در موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی صورت پذیرفته است.

Sagheb82@Yahoo.com

* پژوهشگر مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.

** پژوهشگر دفتر نمایندگی تام‌الاختیار تجاری جمهوری اسلامی ایران. Zahedtalaban@Yahoo.com

2. The Agreement on the Trade Preferential System Among Islamic Countries (TPS/OIC).

مقدمه

به موازات رشد و پیشرفت‌های حاصله در فرآیند جهانی شدن اقتصاد و رویکرد روزافزون کشورها به چند جانبه گرایی در چند دهه اخیر، جهان همزمان شاهد نضج‌گیری پدیده دیگری تحت عنوان منطقه گرایی نیز بوده است. در ۱۵ سال اخیر شکل‌گیری اتحادیه‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای بیش از هر زمان دیگری در اقتصاد جهانی شتاب داشته و این در حالی است که در همین دوره، جهان گرایی و چندجانبه گرایی اقتصادی به اوج تکامل تاریخی خود رسیده و همچنان مسیر رشد و بالندگی خود را دنبال می‌کند. هم‌اکنون اغلب کشورهای دنیا عضو یک یا چند ترتیب منطقه‌ای از قبیل مناطق تجارت آزاد، اتحادیه‌های گمرکی و یا دیگر ترتیبات ترجیحی هستند. شبکه ترتیبات منطقه‌ای تجاری در دنیا به سبب تعدد و تکثر آنها بسیار پیچیده بوده و بسیاری از کشورها همزمان عضو تعداد زیادی از این موافقت‌نامه‌ها هستند. بیش از ۶۰ درصد از ترتیبات منطقه‌ای شکل گرفته تا آخر سال ۲۰۰۰ مربوط به کشورهای اروپایی و حدود ۱۵ درصد مربوط به کشورهای در حال توسعه بوده است. مطابق آخرین آمارهای منتشر شده از تعداد ۳۰۰ موافقت‌نامه تجارت منطقه‌ای که تا اکتبر ۲۰۰۴ به گات و متعاقباً سازمان جهانی تجارت اعلام شده است، ۱۷۶ مورد آن پس از ژانویه ۱۹۹۵ اعلام شده که از این تعداد ۱۵۰ موافقت‌نامه ترجیحات تجاری در حال اجرا است و بر اساس پیش‌بینی‌ها، ۷۰ مورد نیز در آینده نزدیک به مرحله اجرا گذاشته می‌شود. طبق آخرین پیش‌بینی‌ها تا پایان سال ۲۰۰۷ با احتساب موافقت‌نامه‌های در حال انعقاد، تعداد کل موافقت‌نامه‌های ترجیحی در جهان به ۳۰۰ مورد خواهد رسید.^۱ اگر چه رشد روزافزون ترتیبات تجاری منطقه‌ای نگرانی‌هایی را در میان طرفداران چند جانبه گرایی و جهان‌وطنی اقتصاد به وجود آورده است، لیکن گمان نمی‌رود این موج و اقبال کشورها به عضویت در چنین ترتیباتی به زودی رو به افول گذارد، هر چند که روند چند جانبه گرایی نیز سیر تکاملی خود را دنبال می‌کند. در واقع همزیستی این دو پدیده از پدیده‌های متأخر اقتصاد جهانی بوده که به نظر می‌رسد در آغاز هزاره جدید نیز

1. WTO (2003).

ادامه خواهد یافت.

در این میان از برنامه‌های اساسی سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) نیز گسترش همکاری‌های تجاری و اقتصادی بین کشورهای عضو بوده و از مهم‌ترین اقدامات سازمان مذکور در این زمینه تلاش در جهت ایجاد بازار مشترک اسلامی بوده است. با توجه به اینکه ایجاد ترتیبات تجارت ترجیحی قدم اول در ایجاد اتحادیه گمرکی و در نهایت بازار مشترک محسوب می‌شود، لذا سازمان کنفرانس اسلامی اقدام به صدور اعلامیه و برنامه کاری در جهت تقویت همکاری‌های اقتصادی و تجاری بین کشورهای عضو نموده و پس از تهیه پیش‌نویس موافقت‌نامه ترتیبات تجارت ترجیحی در اجلاس ششم سران کشورهای اسلامی، در سال ۱۹۹۰ موافقت‌نامه مزبور مورد تصویب قرار گرفت. در بدو امر ۲۳ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی^۱ موافقت‌نامه ترتیبات تجارت ترجیحی را به امضاء رساندند اما تصویب موافقت‌نامه بوسیله قوه مقننه کشورها به طول انجامید تا اینکه سرانجام از بین کشورهای امضاءکننده، ۱۲ کشور شامل ایران، مصر، ترکیه، تونس، لیبی، اردن، مراکش^۲، پاکستان، کامرون، سنگال، گینه و اوگاندا آن را تصویب نمودند و بدین ترتیب حداقل لازم برای اجرای موافقت‌نامه تحت عنوان «TPS/OIC» حاصل و در واقع نخستین گام عملی برای تحقق فکر ایجاد بازار مشترک اسلامی برداشته شد و انجام مذاکرات برای انعقاد موافقت‌نامه مذکور در دستور کار قرار گرفت.

هدف این مقاله برآورد آثار کاهش موانع تعرفه‌ای پس از اجرای موافقت‌نامه بر جریانات تجاری و درآمد تعرفه‌ای ایران می‌باشد و مقاله بدنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا کاهش موانع تعرفه‌ای باعث گسترش تجارت ایران با کشورهای عضو موافقت‌نامه می‌گردد یا خیر؟ همچنین در ابتدا این فرضیه از سوی محققان مطرح است که

۱. این کشورها عبارتند از: ایران، مصر، ترکیه، تونس، لیبی، اردن، مراکش، پاکستان، کامرون، سنگال، گینه، اوگاندا، عربستان سعودی، گامبیا، اندونزی، عراق، سودان، نیجریه، بنگلادش، بورکینافاسو، چاد، فلسطین و لبنان.

۲. کشور مراکش عملاً در مذاکرات شرکت نکرده و کشورهای بنگلادش و مالزی نیز به کشورهای مذاکره‌کننده اضافه شدند، اما از آنجا که این مطالعه قبل از شروع مذاکرات انجام شده است، ۱۲ کشور اولیه مورد بررسی قرار گرفته است.

اجرای موافقت‌نامه و کاهش موانع تعرفه‌ای از سوی اعضای آن باعث گسترش تجارت و بهبود کسری تراز تجاری ایران با کشورهای مذکور می‌شود.

جامعه آماری مطالعه ۱۲ کشور عضو موافقت‌نامه می‌باشند. آمار صادرات و واردات بکار رفته در محاسبات مربوط به متوسط دوره پنج‌ساله ۲۰۰۱-۱۹۹۷ بوده که از لوح فشرده آماری مرکز تجارت بین‌الملل^۱ استخراج شده است. همچنین اطلاعات تعرفه‌ای در سطح کدهای شش رقمی HS برای ایران از کتاب قانون مقررات صادرات و واردات (سال ۱۳۸۲)^۲ و برای سایر کشورهای عضو موافقت‌نامه از نرم افزار TRAINS^۳ و سایت‌های مرتبط استخراج گردیده است.

ساختار مقاله حاضر بدین شرح است که در بخش اول مبانی نظری تحقیق و مطالعات تجربی مرتبط بطور مختصر مورد بررسی قرار گرفته و در بخش دوم روش تحقیق و متدولوژی بکار رفته معرفی و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در بخش سوم نتایج و یافته‌های تحقیق ارائه می‌شود؛ در این فصل ضمن بررسی وضعیت موجود مبادلات تجاری بین ایران با کشورهای عضو موافقت‌نامه، اثرات ایجاد تجارت و انحراف تجارت با بکارگیری مدل اسمارت در دو سناریوی کاهش سراسری تعرفه به میزان ۱۰ و ۲۰ درصد بر حسب کدهای شش رقمی HS برآورد شده و آثار کمی مذکور به تفکیک کدهای شش و دو رقمی HS و کل صادرات، واردات، تراز بازرگانی و درآمدهای تعرفه‌ای ایران مورد سنجش و اندازه‌گیری قرار گرفته است و در بخش پایانی نیز با بیان نتایج حاصل از پژوهش به ارائه توصیه‌های سیاستی مناسب پرداخته شده است.

۱. مبانی نظری و مطالعات تجربی

سنگ زیربنای نظری تجارت آزاد نظریه مزیت نسبی دیوید ریکاردو است که اولین بار آن را در سال ۱۸۱۷ در کتاب «اصول اقتصاد سیاسی» مطرح کرد. این نظریه به رغم تمام

1. The Personal Computer Trade Analysis System (PC-TAS)- UNCTAD/WTO.

2. در قانون مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۸۲ نرخ‌های تعرفه به دو قسمت حقوق گمرکی و سود بازرگانی تقسیم می‌شوند که در این تحقیق مجموع دو مقدار مذکور بعنوان نرخ تعرفه در نظر گرفته شده است.

3. Trade Analysis and Information System UNCTAD (TRAINS UNCTAD).

نقدهایی که از آن بعمل آمده و با تمام حک و اصلاحات و جرح و تعدیل‌هایی که در گذر قریب به دو قرن بر آن اعمال شده است، هنوز به عنوان یکی از مهمترین قوانین بلامنازع اقتصادی، با کاربردهای وسیع عملی در عرصه حیات اقتصادی باقی مانده است و هنوز هم سنگ اول بنای عظیم تجارت بین‌الملل و تمامی اشکال مختلف هم‌پیوندی‌های اقتصادی و تجاری که به نحو دائم‌التزایدی در حال رشد و توسعه است، محسوب می‌شود. هم‌پیوندی اقتصادی نوعی سیاست بازرگانی است که موجب کاهش یا حذف محدودیت‌های تجاری تبعیض‌آمیز میان کشورهای عضو می‌شود و زمینه‌های تجارت آزاد بین اعضا را فراهم می‌سازد و با درجه‌ای از تخصص در تولید، تخصیص بهینه عوامل تولید (نه لزوماً بهینه اول) را بسته به نوع و دامنه هم‌پیوندی برای اعضا تسهیل می‌کند.

در خصوص پیامدها و آثار اقتصادی ترتیبات تجاری منطقه‌ای و هم‌پیوندی‌های اقتصادی تاکنون اقتصاددانان زیادی به طرح این موضوع از زوایای مختلف و شیوه اندازه‌گیری و تحلیل نتایج آن پرداخته‌اند که در میان آنها ژاکوب واینر از پیشگامان این موضوع محسوب می‌شود که بعدها اقتصاددانان دیگری مانند لیسی، لنکستر، جانسون و مید کار او را دنبال کردند. واینر با استفاده از مفهوم «ایجاد تجارت»^۱ و «انحراف تجارت»^۲ نشان داد که در بسیاری از موارد ترتیبات تجاری منطقه‌ای دارای هر دو اثر بوده که اثر نهایی آنها بر رفاه اجتماعی تابعی از میزان اثر هر یک از دو متغیر مذکور و برآیند آنها می‌باشد. میلیتادس چاکولیادس^۳ نیز با استناد به همین موضوع نشان داد که تئوری اتحادیه گمرکی لزوماً ضامن بهینه پارتویی نبوده و حداکثر می‌توان آن را از مصادیق نظریه بهینه دوم بشمار آورد. او همچنین در تکمیل نظریه واینر اثر مصرفی حاصل از ترتیبات تجاری ترجیحی را وارد محاسبات مربوط به اندازه‌گیری رفاه نمود. لیسی (۱۹۷۵) بحث شرکای تجاری عمده را مطرح ساخت که در صورتی که اعضا یک اتحادیه گمرکی و یا ترتیب تجاری ترجیحی از شرکای عمده تجاری یکدیگر باشند، پس از ایجاد موافقت‌نامه اثر ایجاد تجارت از اثر انحراف تجارت بزرگتر خواهد بود. بعدها وناکات و لوتز (۱۹۸۹) و

1. Trade Creation (TC).

2. Trade Diversion (TD).

3. Chacholiades, Miltiades (1990).

ساورز (۱۹۹۱) با وارد کردن هزینه‌های حمل و نقل موضوع شرکای تجاری طبیعی را مطرح ساختند و خاطر نشان کردند در این قبیل ترجیحات تجاری اثر ایجادتجارت از اثر انحراف تجارت بزرگ تر خواهد بود. باگواتی و پاناگاریا نیز به موضوع صرفه‌های ناشی از مقیاس و تخصص‌گرایی در تولید توجه نموده و شرکت در ترتیبات تجاری ترجیحی را راهی برای بهره‌مندی کشورهای در حال توسعه از این دو مزیت می‌دانند.^۱

درخصوص همزیستی منطقه‌گرایی و چندجانبه‌گرایی و آثار و پیامدهای اقتصادی منطقه‌گرایی و ترتیبات تجاری و اثرنهایی آن بر سیر تحول و تکون تجارت آزاد بین صاحب‌نظران اقتصادی اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای از صاحب‌نظران اثرات منفی انحراف تجارت بسیاری از ترتیبات تجاری موجود در دنیا را بیشتر از اثرات ایجادتجارت آنها می‌دانند که نتیجه آن تخصیص ناکارآمد عوامل تولید در اقتصاد جهان خواهد بود. باگواتی و پاناگاریا (۱۹۹۶)^۲ از جمله این اقتصاددانان هستند که به طرح این موضوع پرداختند و رشد بی‌رویه انواع ترتیبات تجاری ترجیحی و تبعیض‌آمیز را مخل نظم تجاری چندجانبه جهانی دانسته که به عنوان مانعی بر سر راه یکپارچگی اقتصاد جهانی عمل می‌کند. گروه دیگری از صاحب‌نظران اقتصادی نظیر برجستون و یانگ نه تنها منطقه‌گرایی را معارض چندجانبه‌گرایی ندانسته بلکه آن را مکمل جهان‌گرایی اقتصاد می‌دانند که در نقش سنگ زیرین آن عمل می‌کند. این گروه از اقتصاددانان معتقدند منطقه‌گرایی و پیوندهای منطقه‌ای تجاری منجر به توسعه افقی تجارت آزاد خواهد شد که خود بطور اجتناب‌ناپذیری کشورها را به سمت تقویت هر چه بیشتر نظام تجاری چندجانبه رهنمون خواهد ساخت. آنها روندهای اخیر در پدیده منطقه‌گرایی و انتقال از منطقه‌گرایی سطحی به ادغام‌های عمیق‌تر و منطقه‌گرایی باز و تشکیل بلوک‌هایی نظیر «اپک»^۳، «نفتا»^۴ و ... را که موجب گسترش پیوندهای بین منطقه‌ای و بین قاره‌ای می‌شود گواه خوبی بر همسویی این پدیده با روند جهان‌گرایی و چندجانبه‌گرایی اقتصاد جهان می‌دانند. به عبارت

۱. زاهد طلبان، علی (۱۳۸۲).

2. Bhagwati, J. and Panagariya, A. (1996).

3. APEC

4. NAFTA.

دیگر طرفداران این دیدگاه معتقدند که اثر ایجاد تجارت ناشی از ترتیبات تجاری ترجیحی و پیوندهای منطقه‌ای بیشتر از اثر انحراف تجارت می‌باشد. دومین دلیل و استدلال طرفداران این دیدگاه مبتنی بر تأکید نقش موثر پیوندهای اقتصادی در توسعه اقتصادی کشورها است به نحوی که به واسطه دسترسی این کشورها به ساز و کارهای کنترل خارجی اقتصاد، آنها قادر به ادامه و تداوم اصلاحات داخلی ضروری برای فرآیند توسعه خود خواهند بود و از آن منتفع می‌شوند. دلایل متعدد جانبی و سیاسی دیگری نیز از جانب هر دو گروه از اقتصاددانان مطرح می‌شود که مجال بررسی آنها در اینجا میسر نمی‌باشد.¹

بطور کلی اثرات ایجاد مناطق آزاد تجاری و یا ترتیبات تجاری ترجیحی بر جریان‌های تجاری بین دو کشور و یا اعضای اتحادیه را می‌توان از طریق مدل‌های تعادل عمومی (CGE) و یا در چارچوب مدل‌های تعادل جزئی اندازه‌گیری نمود. مدل جاذبه² یکی از روش‌هایی است که در اندازه‌گیری پتانسیل تجاری قابل انتظار از اجرای موافقت‌نامه‌های ترجیحی دو جانبه کاربرد زیادی دارد و تاکنون توسط محققین متعددی بکار گرفته شده است که از این میان می‌توان به مطالعات آندرسون (۱۹۷۹)، هلیمن و کروگمن (۱۹۸۵) و برگ استراند (۱۹۸۹) در این باره اشاره نمود. در مدل جاذبه ترکیبی از متغیرهای کلان اقتصادی نظیر تولید ناخالص داخلی، درآمد سرانه، میزان جمعیت، اندازه و وسعت کشور، نرخ‌های برابری ارز، فاصله جغرافیایی از یکدیگر و ... برای هر زوج از کشورهای عضو موافقت‌نامه ترجیحی در نظر گرفته شده و وارد معادله می‌شود و با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی به برآورد جریان‌های تجاری از طریق برآورد معادله صادرات و واردات کل هر کشور می‌پردازد. این معادلات در محاسبه میزان اثرات ایجاد تجارت و انحراف تجارت کاربرد زیادی دارد. این روش بویژه در مورد کشورهای اروپای شرقی و مرکزی زیاد بکار گرفته شده است که از جمله می‌توان به مطالعات ونگ و وینتر (۱۹۹۱)، هاوریلیشن و پریچ (۱۹۹۱)، بالدوین (۱۹۹۳)، گروس و گونیسارتز (۱۹۹۵)، شوماخر (۱۹۹۵ و ۱۹۹۷) و

1. زاهد طلبان، همان منبع.

2. Gravity Model.

فتسوک (۱۹۹۶) اشاره کرد.^۱

از روش‌های دیگر محاسبه اثرات ایجادتجارت و انحراف تجارت، مدل‌های تعادل جزئی و ایستا می‌باشد که کاربرد فراوان دارد. مفاهیم ایجاد و انحراف تجارت در مطالعات مربوط به کاهش تعرفه‌ای بین یک گروه‌بندی تجاری و بصورت دوجانبه بین دو کشور و محاسبه اثرات آن از طریق رابطه‌های ریاضی مختلف در قالب مدل‌های تعادل جزئی همواره مورد استفاده محققان مختلف بوده است و در این زمینه، مطالعه تسیکاتا (۱۹۹۹)^۲، باس و همکاران (۲۰۰۰)^۳ و ون‌سونتر (۲۰۰۱)^۴ از جمله مطالعات خارجی و مطالعه اشرف‌زاده (۱۳۷۵)^۵ و ارباب (۱۳۸۰)^۶ از جمله مطالعات داخلی است که می‌توان به آن‌ها اشاره نمود. در بخش بعدی به بررسی مدل مورد استفاده برای بررسی و تجزیه و تحلیل موضوع مقاله پرداخته می‌شود.

۲. متدلوژی تحقیق

مدل مورد استفاده در این مقاله، یک مدل تعادل جزئی و ایستا تحت عنوان اسمارت^۷ می‌باشد. این مدل در عین سادگی، مدلی قوی است که بوسیله دبیرخانه انکتاد و با همکاری بانک جهانی به عنوان ابزاری مناسب برای اندازه‌گیری اثرات کمی ناشی از اجرای موافقت‌نامه‌های تجاری ترجیحی معرفی شده است که تغییرات در شرایط دسترسی به بازار و اثر آن بر روی جریان‌ات تجاری اعضا را با استفاده از دو مفهوم عینی ایجادتجارت و انحراف تجارت اندازه‌گیری و محاسبه می‌کند. مدل مذکور برای اولین بار توسط جاجیا و تلجر (۱۹۹۸)^۸ از کارشناسان بانک جهانی، برای مطالعه موافقت‌نامه بین آفریقای جنوبی و

۱. منع پیشین.

2. Tsikata, Y. M. (1999).

3. Busse, et al.

4. Van Seventer, D. E., & Thembi, M. (2001).

5. اشرف‌زاده (۱۳۷۵).

6. ارباب (۱۳۸۰).

7. SMART.

8. Jachia, L. & Teljur, E. (1998).

اتحادیه اروپا بکار برده شد و تقریباً نسبت به شیوه‌های قبلی محاسبه آثار ایجاد و انحراف تجارت، کامل تر می‌باشد. در این مدل برای برآورد اثرات کمی ناشی از اجرای موافقت‌نامه، سمت عرضه اقتصاد (صادرات) و سمت تقاضا (واردات) به طور جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس با تلفیق نتایج به ارزیابی اثر نهایی خالص می‌پردازد. اثر مثبت کاهش تعرفه بر افزایش تقاضای (واردات) هر یک از اعضای موافقت‌نامه از عضو دیگر (افزایش صادرات آن عضو) که بدلیل کاهش قیمت‌های نسبی کالاهای وارداتی از آن کشور عضو در مقایسه با قیمت کالاهای مشابه تولید داخلی سایر کشورهای عضو واردکننده اتفاق می‌افتد در مدل اسمارت به عنوان عامل ایجاد تجارت (TC) محاسبه می‌شود و همچنین اثر کاهش تعرفه بر کاهش واردات از کشورهای غیر عضو (کاهش عرضه (صادرات) کشورهای غیر عضو) و جایگزینی آن با افزایش واردات از کشورهای عضو که بدلیل قیمت‌های گران‌تر نسبی کشورهای غیر عضو پس از اجرای موافقت‌نامه در اثر کاهش‌های تعرفه‌ای اتفاق می‌افتد، به عنوان عامل انحراف تجارت (TD) محاسبه می‌گردد که مبین بوجود آمدن ترکیب جغرافیایی متفاوتی از واردات است و به موجب آن واردات هر کشور عضو موافقت‌نامه از سایر اعضا، به ضرر واردات از کشورهای غیر عضو، افزایش می‌یابد. لازم به ذکر است که در این حالت مجموع واردات کشورهای عضو موافقت‌نامه از اعضا و غیراعضا بدون تغییر باقی می‌ماند.

فرمول و علائم اختصاری متغیرهایی که در محاسبات مورد استفاده قرار می‌گیرند، به

شرح زیر می‌باشند:

M = واردات	E_m = کشش تقاضای واردات نسبت به قیمت داخلی
X = صادرات	E_s = کشش جانشینی بین واردات از کشورهای عضو و غیر عضو
P = قیمت داخلی	TC = ایجاد تجارت
R_p = قیمت نسبی	TD = انحراف تجارت

ایجاد تجارت با استفاده از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$TC = E_m \times M \times \frac{(T_1 - T_0)}{(1 + T_0)} \quad (1)$$

که در آن:

M: حجم جاری واردات از شرکای تجاری،

Em: کشش تقاضای واردات که بعنوان درصد تغییر در تقاضای واردات می باشد وقتی

که قیمت واردات در بازار داخلی به اندازه یک درصد تغییر می یابد،

$(T_1 - T_0)$: تغییرات در نرخ تعرفه واردات، و اندیس ۰ و ۱ به ترتیب مربوط به قبل و بعد

از آزادسازی (یا کاهش موانع تعرفه‌ای) است.

بر اساس روابط فوق اثر ایجاد تجارت متأثر از کشش تقاضای واردات است. در واقع کشش تقاضای واردات یکی از پارامترهای کلیدی است که نتایج را بصورت گسترده تحت تأثیر قرار می دهد. بطور کلی در مدل های تجارت کشش های صادرات و واردات و متغیرهای سیاست تجاری از متغیرهای کلیدی می باشند. مطابق فرضیه آرمینگتون^۱ کشش های جانشینی بین کالاها با استفاده از کشش های تقاضای واردات و صادرات که در مدل های تجربی دیگر برآورد شده است، به یکدیگر مرتبط می گردند و در این زمینه می توان از برآوردهای تجربی تحقیقات دیگر استفاده نمود. بعنوان مثال رابرت استرن و دیگران (۱۹۷۶)^۲ در مجموعه ای برخی از کشش های تجاری که بهترین تخمین در مورد مناطق و کالاهای مختلف بوده است را جمع آوری نمودند.^۳ اغلب این کشش های برآوردی نسبتاً پایین و حول و حوش یک بوده اند و تحقیقات انجام یافته در این زمینه طی سال های متمادی، منطقی بودن آنها را از لحاظ تئوریک به اثبات رسانده است. در رابطه با کشش قیمتی واردات، گامد (۲۰۰۰)^۴ مقدار ۱/۵۶- را برای آفریقای جنوبی برآورد نموده است. هر چند بکار بردن یک کشش برای تمامی کالاها رضایت بخش نمی باشد اما بکارگیری برخی از تخمین ها که علامت کشش آنها در جهت خلاف بوده و بیانگر افزایش تقاضای واردات در اثر افزایش قیمت می شود نیز غیرممکن است؛ و به علاوه در مورد برخی از کالاها نیز هیچگونه تخمینی وجود ندارد. به همین دلیل در این مقاله به

1. Armington.

2. Stern. R & others (1976).

3. مجبی، منیره (۱۳۷۴).

4. Gumedede (2000).

تبعیت از مطالعه انکتاد^۱، کشش تقاضای واردات کالاها دو مقدار ثابت ۰/۸۵- و ۱/۵- در نظر گرفته شده است. کشش تقاضای ۰/۸۵- برای کشورهای در حال توسعه و ۱/۵- برای کشورهای توسعه یافته بکار می‌رود که در محاسبات مدل اسمارت، حدود فرض شده است.

برای اندازه‌گیری اثر انحراف تجارت، فرآیند محاسبه به دو مرحله تقسیم شده است. در مرحله اول تغییر نسبی قیمتی dRP/RP اندازه‌گیری می‌شود. برای مثال وقتی که ایران پس از موافقت‌نامه تجارت ترجیحی، سطوح تعرفه‌ای خود را کاهش داده و یا به صفر برساند، بعثت آنکه تعرفه واردات از شرکای تجاری غیرعضو همچنان باقی است، قیمت واردات از کشورهای عضو نسبت به قیمت واردات از کشورهای غیرعضو متناسب با میزان کاهش تعرفه، کمتر خواهد شد. در این صورت تغییر قیمت نسبی واردات بصورت زیر خواهد بود:

$$\frac{dRP^{Iran}}{RP^{Iran}} = \frac{\frac{1 + T_1^{Iran}}{1 + T_1^{other}}}{\frac{1 + T_0^{Iran}}{1 + T_0^{other}}} - 1 \quad (2)$$

چنانچه تغییری در تعرفه واردات از کشورهای غیرعضو (other) ایجاد نشود، معادله به رابطه (۳) تبدیل خواهد شد:

$$\frac{dRP^{Iran}}{RP^{Iran}} = \frac{1 + T_1^{Iran}}{1 + T_0^{Iran}} - 1 \quad (3)$$

پس از محاسبه تغییر قیمت نسبی، می‌توان انحراف تجارت را از طریق رابطه (۴) اندازه‌گیری نمود:

$$TD^{Iran} = \frac{M^{Iran} \times M^{other} \times \frac{dRP^{Iran}}{RP^{Iran}} \times E_s}{M^{Iran} + M^{other} + M^{Iran} \times \frac{dRP^{Iran}}{RP^{Iran}} \times E_s} \quad (4)$$

در رابطه فوق نیز به تبعیت از مدل اسمارت کشش جانشینی تقاضا ۱/۵- فرض شده

1. Jachia, L. & Teljeur, E. (1998).

است.^۱

رابطه (۴) افزایش صادرات ایران به بازار کشورهای عضو موافقت‌نامه را علاوه بر مقادیر ناشی از ایجاد تجارت نشان می‌دهد که در نتیجه جابجایی واردات کشورهای عضو از کشورهای غیرعضو به نفع واردات از ایران حاصل می‌شود. در واقع واردات از عرضه‌کنندگان خارجی (کشورهای غیرعضو) که قیمت واردات از آنها تغییر نیافته است، منحرف شده و با واردات از ایران جایگزین خواهد شد.

برای محاسبه اثرات کلی کاهش تعرفه پس از انعقاد موافقت‌نامه به ترتیب بر صادرات و واردات ایران، در گام اول لازم است که اثرات ایجاد تجارت و انحراف تجارت در کشورهای عضو موافقت‌نامه برای ایران (تغییر در صادرات ایران) و سپس اثرات ایجاد و انحراف تجارت در ایران برای کشورهای عضو موافقت‌نامه (تغییر در واردات ایران) اندازه‌گیری شود. همانطور که در متغیرهای مدل اسمارت ملاحظه می‌گردد، اثرات ایجاد و انحراف تجارت رابطه مستقیم با مقدار جاری واردات دارند؛ بنابراین برای آن دسته از خطوط تعرفه‌ای که قبل از اجرای موافقت‌نامه تجارتی رخ نداده باشد، شبیه‌سازی نشان می‌دهد که در بعد از اجرای موافقت‌نامه نیز تجارتی رخ نخواهد داد. لازم به ذکر است چنانچه فقدان تجارت در مورد یک خط تعرفه‌ای کالایی خاص بدلیل عدم وجود مزیت نسبی باشد، این تخمین کاملاً قابل قبول است. اما اگر عدم تجارت بدلیل بالا بودن تعرفه‌ها باشد، کاهش یا حذف تعرفه‌ها باعث افزایش شدید در تجارت خواهد شد که در این حالت مدل اسمارت کل آثار ایجاد تجارت را کمتر از حد تخمین می‌زند.

۳. نتایج و یافته‌های تحقیق

۱-۳. وضعیت تجارت و ساختار تعرفه‌ای ایران با کشورهای عضو موافقت‌نامه
بر اساس آمار PC/TAS طی دوره ۲۰۰۱-۱۹۹۷ متوسط حجم تجارت (واردات و صادرات غیرنفتی) ایران با اعضای موافقت‌نامه حدود ۹۰۸ میلیون دلار بوده است که این

۱. منبع پیشین.

رقم حدود ۵/۲ درصد از کل تجارت ایران با جهان طی دوره مورد بررسی را تشکیل می‌دهد. صادرات غیرنفتی ایران به اعضای موافقت‌نامه (یا واردات کشورهای عضو موافقت‌نامه از ایران) معادل ۳۵۲ میلیون دلار (۹/۳ درصد کل صادرات غیرنفتی ایران) بوده است. مطابق جدول (۱)، در سطح کشوری در بین اعضای موافقت‌نامه بیشترین مقدار صادرات ایران به ترکیه و پاکستان بوده که متوسط آن طی دوره مورد بررسی به ترتیب معادل ۲۱۱ و ۷۲ میلیون دلار بوده است که این ارقام به ترتیب ۶۰ و ۲۱ درصد از کل صادرات ایران به کشورهای مذکور طی آن دوره می‌باشد. کمترین صادرات نیز به کشورهای سنگال و اوگاندا به ترتیب ۱ میلیون دلار (۰/۳ درصد) و ۰/۴ میلیون دلار (۰/۱ درصد) بوده است. مطابق جدول (۱) سهم صادرات ایران نسبت به کل صادرات به اعضای موافقت‌نامه به ترتیب در مورد مصر ۵/۸ درصد، اردن ۴/۲ درصد، لیبی ۴ درصد، مراکش ۱/۹ درصد، تونس ۱/۷ درصد، گینه ۰/۸ درصد و کامرون ۰/۵ درصد بوده است. طی دوره مورد بررسی، صادرات ایران به کشورهای عضو موافقت‌نامه در قالب ۶۷ کد کالایی دو رقمی HS انجام پذیرفته است و عمده ترین گروه‌های کالایی صادراتی ایران، میزان و سهم از کل صادرات ایران به ترتیب عبارتند از:

- سوختها و روغنهای معدنی (کد ۲۷) ۵۸ میلیون دلار (۱۸/۸ درصد از کل)
- انواع میوه‌های خوراکی (کد ۰۸) ۳۴/۵ میلیون دلار (۱۱/۱ درصد از کل)
- محصولات شیمیایی آلی (کد ۲۹) ۲۴/۹ میلیون دلار (۸ درصد از کل)
- مس و مصنوعات مس (کد ۷۴) ۱۸/۵ میلیون دلار (۶ درصد از کل)
- انواع مواد پلاستیکی (کد ۳۹) ۱۸/۲ میلیون دلار (۵/۹ درصد از کل)

گروه‌های کالایی فوق در مجموع حدود ۵۳ درصد از کل صادرات ایران به کشورهای عضو موافقت‌نامه را تشکیل می‌دهند. همچنین صادرات ایران در سطح کدهای شش رقمی HS در قالب ۵۱۸ کد کالایی^۱ انجام شده است که پنج کالای عمده صادراتی، مقدار و سهم صادرات هر یک از کل به ترتیب عبارتند از:

- فرآورده‌های نفتی غیرخام (کد ۲۷۱-۹۹) ۱۲/۸ میلیون دلار (۴/۱ درصد از کل)

1. Tariff Line.

- پاراکسیلین از هیدروکربورهای حلقوی (کد ۲۹۰۲۴۳) ۱۲/۳ میلیون دلار (۴ درصد از کل)
- فرآورده‌های روغن‌های صنعتی (کد ۲۷۱۰۲۶) ۱۱/۸ میلیون دلار (۳/۸ درصد از کل)
- انگور (کد ۰۸۰۶۲۰) ۹/۴ میلیون دلار (۳ درصد از کل)
- کاتود و قطعات آن از مس (کد ۷۴۰۳۱۱) ۹/۳ میلیون دلار (۳ درصد از کل)

کالاهای فوق در مجموع ۳۱ درصد از کل صادرات ایران به اعضای موافقت‌نامه را به خود اختصاص داده‌اند.

بررسی‌ها حاکی است که در بین کشورهای عضو، بیشترین تنوع در صادرات ایران به ترکیه با ۳۶۳ کد کالایی شش رقمی HS بوده است و صادرات ایران به ترتیب به پاکستان با ۱۳۹ خط تعرفه، اردن با ۷۵ خط تعرفه و مصر با ۵۶ خط تعرفه در رتبه‌های بعدی قرار دارند. بررسی ساختار تعرفه‌ای کشورهای عضو موافقت‌نامه بر واردات از ایران نشان می‌دهد که متوسط نرخ ساده و میانگین وزنی تعرفه‌های آن کشورها بر واردات از ایران به ترتیب معادل ۱۵/۱ درصد و ۱۲/۲ درصد بوده است. در سطح کشوری میانگین وزنی تعرفه دو بازار مهم صادراتی ایران در بین اعضای موافقت‌نامه یعنی کشورهای ترکیه و پاکستان بر واردات از ایران به ترتیب معادل ۶/۹ درصد و ۱۵/۳ درصد بوده است. اما بالاترین میانگین وزنی تعرفه بر واردات از ایران مربوط به کشورهای مراکش و لیبی به ترتیب با ۳۲/۷ و ۲۷/۲ درصد می‌باشد. میانگین حسابی و وزنی تعرفه کلیه کشورهای عضو موافقت‌نامه بر واردات از ایران در جدول (۱) ارائه شده است. بررسی تعرفه کالاهای وارداتی اعضای موافقت‌نامه از ایران نشان می‌دهد که بالاترین نرخ تعرفه کشورهای عضو بر واردات از ایران مربوط به وسایل نقلیه دارای موتورپیستونی (کد ۸۷۰۳۲۳) معادل ۱۴۱/۷ درصد، وسایل نقلیه آتش‌نشانی (کد ۸۷۰۵۳۰) معادل ۸۰ درصد و چای سیاه (کد ۰۹۰۲۳۰) معادل ۸۰ درصد می‌باشد.

همچنین طی دوره ۲۰۰۱-۱۹۹۷ متوسط واردات ایران از کشورهای عضو موافقت‌نامه معادل ۵۹۸ میلیون دلار بوده است که این مقدار ۴/۲ درصد از کل واردات ایران را شامل می‌شود. مطابق جدول (۱) در بین کشورهای عضو موافقت‌نامه، بیشترین واردات ایران از ترکیه و معادل ۳۶۳ میلیون دلار (۶۰/۸ درصد) بوده است و سهم واردات ایران نسبت به کل

واردات از اعضای موافقت‌نامه در مورد مراکش ۱۰ درصد، تونس ۸/۸ درصد، پاکستان ۶/۶ درصد، سنگال ۴/۸ درصد، اردن ۴/۷ درصد، مصر ۳/۱ درصد، گینه ۱/۲ درصد و کشورهای اوگاندا و لیبی کمتر از یک درصد می‌باشد. همچنین طی دوره مورد بررسی ایران از کامرون واردات نداشته است.

واردات ایران در ۶۳ کد کالایی دو رقمی HS انجام می‌شود و پنج گروه کالایی عمده وارداتی ایران از کشورهای عضو موافقت‌نامه، مقدار و سهم واردات هر یک به ترتیب عبارتند از:

- انواع کودها (کد ۳۱) ۸۰ میلیون دلار (۱۳/۴ درصد از کل)
- نمک و گوگرد و سیمان و... (کد ۲۵) ۶۰/۷ میلیون دلار (۱۰/۲ درصد از کل)
- ماشین‌آلات مکانیکی (کد ۸۴) ۵۲/۸ میلیون دلار (۸/۸ درصد از کل)
- غلات (کد ۱۰) ۴۴/۷ میلیون دلار (۷/۵ درصد از کل)
- محصولات شیمیایی آلی (کد ۲۸) ۴۳/۵ میلیون دلار (۷/۳ درصد از کل)

گروه‌های کالایی فوق در مجموع ۴۷ درصد از کل واردات ایران از اعضای موافقت‌نامه را تشکیل می‌دهند.

جدول ۱- میزان تجارت ایران با کشورهای عضو موافقت‌نامه TPS/OIC و ساختارموانع تعرفه‌ای موجود بین کشورها

ارقام به هزار دلار/درصد

ردیف	نام کشور	صادرات ایران (دوره ۲۰۰۱-۱۹۹۷)		واردات ایران (دوره ۲۰۰۱-۱۹۹۷)		میانگین تعرفه		میانگین تعرفه	
		تعداد خطوط تعرفه‌ای	سهم (درصد)	تعداد خطوط تعرفه‌ای	سهم (درصد)	حسابی	وزنی	حسابی	وزنی
۱	ترکیه	۲۱۱۸۴۴	۶۰/۱	۳۶۳۲۶۰	۶۰/۸	۱۰/۱	۶/۹	۲۰/۳	۱۹/۹
۲	پاکستان	۷۲۴۵۴	۲۰/۶	۳۹۴۱۱	۶/۶	۱۶	۱۵/۳	۱۹/۲	۳۹/۱
۳	مصر	۲۰۴۷۴	۵/۸	۱۸۶۲۲	۳/۱	۲۴	۲۵/۴	۱۳/۱	۱۳/۷
۴	اردن	۱۴۸۴۶	۴/۲	۲۸۰۷۳	۴/۷	۱۷/۷	۲۲/۱	۱۲	۴/۹
۵	لیبی	۱۴۰۸۹	۴/۰	۵۱	۰	۲۸/۴	۲۷/۲	۱۷۰	۱۷۰
۶	تونس	۶۷۳۶	۱/۹	۵۲۳۵۵	۸/۸	۲۸/۴	۲۰/۲	۲۹/۳	۴/۷
۷	مراکش	۶۱۶۹	۱/۷	۵۹۹۴۶	۱۰	۳۰/۲	۳۲/۷	۵/۳	۴/۵

۵	۵	۱	۱/۲	۷۱۱۰	۱۴/۳	۲۰/۳	۱۱	۰/۸	۲۷۱۱	گینه	۸
-	-	-	-	۰	۲۰/۹	۲۳/۳	۹	۰/۵	۱۷۲۵	کامرون	۹
۱۹/۷	۱۹	۵	۴/۸	۲۸۶۷۹	۲۶/۴	۲۳/۶	۱۱	۰/۳	۱۰۸۳	سنگال	۱۰
۱۰	۱۰	۱	۰/۰	۲۷۵	۷/۳	۷/۳	۷	۰/۱	۳۸۸	اوگاندا	۱۱
۱۷/۲	۲۰	۹۷۰	۱۰۰	۵۹۷۷۸۲	۱۲/۲	۱۵/۱	۵۱۸	۱۰۰	۳۱۰۴۳۶	کشورهای فوق	

مأخذ: محاسبات برگرفته از: ۱- داده‌های خام پایگاه اطلاعاتی مرکز تجارت بین‌الملل (CD ROM-PC/TAS-2003)
 ۲- کتاب قانون مقررات صادرات و واردات (۱۳۸۲) ۳- داده‌های خام بانک اطلاعات نرم افزاری TRAINS انکتاد.

واردات ایران از کشورهای عضو موافقت‌نامه در سطح کدهای شش رقمی HS در ۹۷۰ کد کالایی انجام می‌شود که پنج کالای عمده وارداتی، مقدار و سهم از کل واردات هر یک به ترتیب عبارتند از:

- شامل سوپرفسفاتها (کد-۳۱۰۳۱۰) ۴۷/۲ میلیون دلار (۷/۹ درصد)
- پارچه استخوان‌بندی لاستیک چرخ (کد-۵۹۰۲۱۰) ۳۴/۴ میلیون دلار (۵/۸ درصد)
- فسفات دی آمونیوم (کد-۳۱۰۵۳۰) ۲۵/۷ میلیون دلار (۴/۴ درصد)
- برنج (کد-۱۰۰۶۳۰) ۲۵/۵ میلیون دلار (۴/۳ درصد)
- فسفات کلسیم طبیعی آسیاب نشده (کد-۲۵۱۰۲۰) ۲۳/۹ میلیون دلار (۴ درصد)

در بین کشورهای عضو موافقت‌نامه واردات ایران از ترکیه با حدود ۹۱۹ کد کالایی بیشترین تنوع را دارد. از نظر تنوع در واردات ایران از کشورهای مذکور به ترتیب پاکستان با ۴۷ کد، مصر با ۲۳ کد، اردن با ۲۱ کد، تونس با ۱۰ کد، مراکش با ۸ کد، سنگال با ۵ کد و کشورهای لیبی، گینه و اوگاندا هر کدام با یک کد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. بررسی ساختار تعرفه‌ای ایران^۱ نشان می‌دهد که متوسط نرخ ساده و میانگین وزنی

۱. لازم به ذکر است در محاسبات و اندازه‌گیری آثار تجاری ناشی از اجرای موافقت‌نامه صرفاً موانع تعرفه‌ای موجود مد نظر قرار گرفته و موانع غیر تعرفه‌ای در محاسبات منظور نشده در حالی که رفع این قبیل موانع غیر تعرفه‌ای نیز که موافقت‌نامه آن را تکلیف می‌کند، بویژه برای ایران واجد اثرات مهمی است که در جای خود باید مورد توجه و بررسی‌های بیشتر قرار گیرد. در عین حال این قبیل موانع غیر تعرفه‌ای در رژیم تجاری جمهوری اسلامی ایران مورد شناسایی قرار گرفته و مصادیق اصلی آن نیز در طرح پژوهشی معرفی شده که به دلیل اجتناب از طولانی شدن از ذکر آن در مقاله حاضر خودداری می‌شود.

تعرفه‌های ایران بر واردات از اعضای موافقت‌نامه به ترتیب معادل ۲۰ درصد و ۱۷/۲ درصد بوده است. همچنین میانگین وزنی نرخ تعرفه ایران برای واردات از کشورهای ترکیه و پاکستان که از شرکای عمده تجاری ایران در بین کشورهای مورد بررسی محسوب می‌شوند، به ترتیب معادل ۱۹/۹ درصد و ۳۹/۱ درصد می‌باشد. بالاترین نرخ‌های تعرفه ایران بر کالاهای وارداتی از کشورهای عضو موافقت‌نامه مربوط به انواع وسایل نقلیه (کدهای ۸۷۰۳۲۲ و ۸۷۰۳۲۳) معادل ۱۷۰، قند و شکر (کد ۱۷۰۱۹۹) معادل ۱۱۰ و انواع دارو (کدهای ۳۰۰۳۲۰، ۳۰۰۳۳۱، ۳۰۰۴۳۹، ۳۰۰۴۹۰) معادل ۱۰۰ درصد است.^۱

همانطور که ملاحظه گردید علاوه بر اینکه تنوع کالاهای صادراتی کمتر از تنوع کالاهای وارداتی است و همچنین موانع تعرفه‌ای ایران بر واردات از کشورهای عضو موافقت‌نامه بیش از موانع تعرفه‌ای مجموعه آن کشورها بر واردات از ایران می‌باشد، حجم صادرات ایران به کشورهای عضو نیز کمتر از واردات از کشورهای مذکور می‌باشد. این امر یعنی حجم تقریباً دو برابر واردات نسبت به صادرات ایران در تجارت با کشورهای عضو موافقت‌نامه باعث شده است که، تراز تجاری ایران با کشورهای مذکور طی دوره مورد بررسی منفی و معادل ۲۴۵ میلیون دلار باشد و همچنین متوسط درآمدهای تعرفه‌ای ایران در قبال واردات از کشورهای مذکور نیز معادل ۱۰۳ میلیون دلار می‌باشد.

۲-۳. آثار تجاری انعقاد موافقت‌نامه

آثار ایجاد و انحراف تجارت پس از کاهش موانع تعرفه‌ای بین اعضای موافقت‌نامه، ابتدا در کشورهای عضو موافقت‌نامه به نفع ایران و سپس در ایران به نفع آن کشورها با استفاده از مدل شبیه سازی اسمارت در سطح کدهای شش رقمی HS تحت دو سناریوی کاهش سراسری تعرفه به میزان ۱۰ و ۲۰ درصد محاسبه شده و سپس در سطح کدهای دو رقمی HS و سطح کل صادرات، واردات، تراز تجاری و درآمدهای تعرفه‌ای ایران تجمیع می‌شود.

این نتایج ابتدا برای صادرات و واردات در سطح کل و کدهای دو و شش رقمی HS

1. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به: نایب، حسن (۱۳۸۴).

ارائه شده و سپس به بررسی آثار کاهش موانع تعرفه‌ای بر تراز تجاری و درآمدهای تعرفه‌ای پرداخته می‌شود. نتایج در سطح کل تجارت در جدول (۲) ارائه شده است. بر اساس جدول مذکور مقدار ایجاد تجارت (TC) در کشورهای عضو موافقت‌نامه برای ایران در سناریوی اول در دامنه بین ۲/۶ تا ۴/۵ میلیون دلار و در سناریوی دوم در دامنه بین ۵/۱ تا ۹ میلیون دلار پیش بینی شده است. همچنین انحراف تجارت (TD) در کشورهای مذکور برای ایران در سناریوی اول معادل ۲/۳ میلیون دلار و در سناریوی دوم معادل ۴/۵ میلیون دلار برآورد شده است. از آنجا بر اساس مدل اسمارت مجموع اثرات ایجاد و انحراف تجارت در کشورهای عضو برای ایران، معادل افزایش در صادرات ایران می‌باشد، صادرات ایران بر مبنای سناریوی اول در دامنه بین ۴/۸ تا ۶/۸ میلیون دلار با رشدی معادل ۱/۴ تا ۱/۹ درصد و بر مبنای سناریوی دوم در دامنه بین ۹/۶ تا ۱۳/۵ میلیون دلار با رشدی معادل ۲/۷ تا ۳/۸ درصد افزایش خواهد یافت.

نتایج مربوط به آثار کاهش موانع تعرفه‌ای بر صادرات ایران به سایر کشورهای عضو موافقت‌نامه به تفکیک کلیه اقلام صادراتی ایران بر حسب کدهای دو و شش رقمی HS محاسبه شده است.^۱ اما با توجه به تعداد زیاد کدها، تنها به ارائه عمده‌ترین کالاها بسنده می‌شود. پنج گروه عمده کالایی بر حسب کدهای دو و شش رقمی HS که به ترتیب بیشترین تغییر (با افزایش) در صادرات ایران به کشورهای مذکور را خواهند داشت، عبارتند از:

کدهای دو رقمی	کدهای شش رقمی
۱. میوه‌های خوراکی (کد ۰۸)	۱. انگور (کد ۰۸۰۶۲۰)
۲. سوختها و روغنهای معدنی (کد ۲۷)	۲. پسته (کد ۰۸۰۲۵۰)
۳. وسایل نقلیه زمینی غیر از نواقل روی خط (کد ۸۷)	۳. اجزاء و قطعات ماشین آلات (کد ۸۴۸۵۹۰)
۴. محصولات شیمیایی آلی (کد ۲۹)	۴. نخودرسی (کد ۰۷۱۳۲۰)
۵. مواد پلاستیکی و اشیاء ساخته شده از آن (کد ۳۹)	۵. پارا اکسیلن از هیدروکربورهای حلقوی (کد ۲۹۰۲۴۳)

همچنین بر اساس جدول (۲) میزان ایجاد تجارت (TC) در ایران برای مجموع

1. ثاقب، همان مأخذ.

سایر کشورهای عضو موافقت‌نامه در سناریوی اول در دامنه بین ۶/۷ تا ۱۱/۸ میلیون دلار و در سناریوی دوم در دامنه بین ۱۳/۴ تا ۲۳/۶ میلیون دلار خواهد بود. همچنین مقدار انحراف تجارت (TD) در ایران برای کشورهای مذکور در سناریوی اول معادل ۷/۱ میلیون دلار و در سناریوی دوم معادل ۱۳/۸ میلیون دلار برآورد شده است. مجموع اثرات فوق، افزایش واردات ایران از کشورهای عضو را نشان می‌دهد که در سناریوی اول در دامنه بین ۱۳/۸ تا ۱۸/۹ میلیون دلار و با رشدی معادل ۲/۳ تا ۳/۲ درصد افزایش خواهد یافت. همچنین نتایج برآوردها در سناریوی دوم حاکی است که واردات ایران از کشورهای مذکور در دامنه بین ۲۷/۲ تا ۳۷/۴ میلیون دلار و با رشدی معادل ۴/۵ تا ۶/۳ درصد افزایش خواهد یافت.

نتایج مربوط به آثار کاهش موانع تعرفه‌ای در قالب موافقت‌نامه بر واردات ایران از سایر کشورهای عضو نیز به تفکیک کلیه اقلام وارداتی بر حسب کدهای دو و شش رقمی HS محاسبه شده است^۱ اما در این مورد نیز به دلیل تعداد زیاد کدها، تنها عمده‌ترین کالاها ارائه می‌شود. پنج گروه کالایی عمده در سطح کدهای دو و شش رقمی HS که به ترتیب بیشترین افزایش در واردات ایران از کشورهای مذکور پس از اجرای موافقت‌نامه خواهند داشت، عبارتند از:

کدهای دو رقمی	کدهای شش رقمی
۱. غلات (کد ۱۰)	۱. برنج (کد ۱۰۰۶۳۰)
۲. وسایل نقلیه زمینی غیر از نواقل روی خط (کد ۸۷)	۲. پارچه نایلونی استخوانبندی لاستیک چرخ (کد ۵۹۰۲۱۰)
۳. مواد پلاستیکی و اشیاء ساخته شده از آن (کد ۳۹)	۳. ورقه‌های نازک پلاستیکی (کد ۳۹۲۰۲۰)
۴. ماشین‌آلات مکانیکی (کد ۸۴)	۴. اجزاء و قطعات وسایل نقلیه موتوری (کد ۸۷۰۸۹۹)
۵. پارچه‌های نسجی آغشته، اندوده (کد ۵۹)	۵. محورهای محرک وسایل نقلیه (کد ۸۷۰۸۵۰)

در یک بررسی کلی نتایج برآوردها در هر دو سناریوی نشان می‌دهند که اثرات ایجاد و انحراف تجارت در ایران برای کشورهای عضو بیش از اثرات مذکور در مجموع آن

1. منبع پیشین.

کشورها برای ایران است. اثرات مذکور در سناریوی دوم بدلیل کاهش بیشتر سطوح تعرفه‌ای بیش از سناریوی اول خواهد بود. همچنین در صورت حذف موانع تعرفه‌ای توسط کشورهای عضو، بدلیل بالاتر بودن میانگین تعرفه‌های ایران نسبت به میانگین تعرفه‌های مجموع کشورهای عضو موافقت‌نامه همواره اثرات ایجادتجارت و همچنین انحراف تجارت در ایران برای مجموع آن کشورها بیش از اثرات مذکور در آن کشورها برای ایران خواهد بود. هر چند این نتایج در تجارت ایران با هر یک از کشورها بطور جداگانه و همچنین به تفکیک گروه‌های کالایی مختلف متفاوت می‌باشد.

جدول ۲- اثرات کاهش تعرفه‌ای در قالب موافقت‌نامه TPS/OIC بر صادرات، واردات، تراز تجاری و درآمد تعرفه‌ای ایران

ارقام به میلیون دلار/درصد

کشش تقاضای واردات		کشش تقاضای صادرات	تغییر (افزایش) در صادرات ایران به اعضای موافقت‌نامه	درصد تغییرات	تغییر (افزایش) در واردات ایران از اعضای موافقت‌نامه	درصد تغییرات	تراز تجاری ایران با اعضای موافقت‌نامه	تغییر در تراز تجاری ایران با اعضای موافقت‌نامه	درصد تغییرات	درآمد تعرفه‌ای ایران	تغییر در درآمد تعرفه‌ای ایران	درصد تغییرات	ایجادتجارت در مجموع اعضای موافقت‌نامه به نفع ایران	انحراف تجارت در مجموع اعضای موافقت‌نامه به نفع ایران	حالت بانقل (متوسط دوره ۲۰۰۱-۱۹۹۷)
-۱/۵	-۰/۸۵														
۳۵۳			(۱)												حالت بانقل (متوسط دوره ۲۰۰۱-۱۹۹۷)
۵۹۸			(۲)												
-۲۴۵			(۳)=(۱)-(۲)												
۱۷/۲			(۴)												
۱۲/۲			(۵)												
۱۰۳			(۶)=(۴)×(۲)												
۴/۵	۲/۶		(۷)											سازایی اول (کاهش سراسری تعرفه به میزان ۱۰ درصدی)	
۲/۳			(۸)												
۶/۸	۴/۸		(۹)=(۸)+(۷)												
۱/۹	۱/۴		(۱۰)												
۱۱/۸	۶/۷		(۱۱)												
۷/۱			(۱۲)=(۱۱)+(۱۰)												
۱۸/۹	۱۳/۸		(۱۳)												
-۲۵۷/۴	-۲۵۴/۲		(۱۴)												
-۱۲/۱	-۹		(۱۵)												
۴/۹	۳/۶		(۱۶)												
۱۰۳/۳	۹۶/۶		(۱۷)											سازایی تعرفه به	
-۰/۳	-۶/۴		(۱۸)												
-۱/۶	-۶/۲		(۱۹)												
۹	۵/۱		(۲۰)												
۴/۵			(۲۱)												

۱۳/۵	۹/۶	افزایش صادرات ایران به اعضای موافقت‌نامه	(۱۷)=(۱۶)+(۱۵)	
۳/۸	۲/۷	درصد تغییرات		
۱۳/۶	۱۳/۴	ایجاد تجارت در ایران به نفع اعضای موافقت‌نامه	(۱۸)	
۱۳/۸		انحراف تجارت در ایران به نفع اعضای موافقت‌نامه	(۱۹)	
۳۷/۴	۲۷/۲	افزایش واردات ایران از اعضای موافقت‌نامه	(۱۸)+(۱۹)=(۲۰)	
۶/۳	۴/۵	درصد تغییرات		
-۲۶۹/۲	-۲۶۲/۸	تراز تجاری ایران با اعضای موافقت‌نامه	(۲۱)	
-۲۴/۲	-۱۷/۸	تغییر در تراز تجاری ایران با اعضای موافقت‌نامه		
۹/۷	۷/۲	درصد تغییرات		
۸۸/۹	۱۰۱/۳	درآمد تعرفه‌ای ایران	(۲۲)	
-۱۴/۱	-۱/۷	تغییر در درآمد تعرفه‌ای ایران		
-۱۳/۷	-۱/۶	درصد تغییرات		

مأخذ: محاسبات تحقیق

نکته جالب توجه آن است که افزایش خالص واردات ایران در اثر عضویت در موافقت‌نامه مذکور، تنها مربوط به اثر ایجاد تجارت در ایران می‌باشد چون اثر انحراف تجارت در ایران تنها واردات از کشورهای عضو را جانشین واردات از کشورهای غیر عضو کرده و در کل حجم واردات ایران تغییری حاصل نخواهد شد. بنابراین افزایش خالص در واردات ایران پس از عضویت در موافقت‌نامه به میزان اثر ایجاد تجارت در ایران و افزایش خالص در صادرات ایران معادل مجموع ایجاد و انحراف تجارت در کشورهای عضو برای ایران خواهد بود. همین مسئله در مورد کشورهای عضو نیز صادق است.

با توجه به نتایج برآوردها در مورد میزان افزایش در صادرات و واردات ایران پس از اجرای موافقت‌نامه، محاسبه تغییرات در تراز تجاری و همچنین درآمدهای تعرفه‌ای ایران نیز امکان‌پذیر خواهد بود. محاسبات نشان می‌دهد که کسری تراز تجاری ایران در سناریوی اول با رشدی معادل ۳/۶ تا ۴/۹ درصد به رقمی بین ۲۵۴ تا ۲۵۷ میلیون دلار افزایش یافته و در سناریوی دوم با رشدی معادل ۷/۲ تا ۹/۷ درصد به رقمی بین ۲۶۳ تا ۲۶۹ میلیون دلار افزایش خواهد یافت. این ارقام نشان می‌دهد که (بدون در نظر گرفتن اثر انحراف تجارت در ایران که تنها منجر به جابجایی مکان جغرافیایی واردات می‌گردد) کسری کل تراز تجاری ایران در سناریوی اول بین ۱/۹ تا ۵ میلیون دلار و در سناریوی دوم بین ۳/۸ تا ۱۰/۱ میلیون دلار افزایش خواهد یافت.

با توجه به تغییرات واردات ایران از کشورهای عضو موافقت‌نامه و همچنین کاهش سطوح تعرفه‌ای ایران، درآمد تعرفه‌ای ایران نیز تغییر خواهد کرد. این تغییرات بصورت کاهش در درآمدهای تعرفه‌ای ایران تجلی یافته‌است؛ بطوریکه در سناریوی اول درآمدهای تعرفه‌ای ایران بین ۱/۶ تا ۶/۲ درصد کاهش یافته و به دامنه بین ۹۷ تا ۱۰۳ میلیون دلار خواهد رسید در سناریوی دوم با کاهش بیشتر تعرفه‌ها دامنه کاهش درآمد تعرفه‌ای افزایش یافته و بین ۱/۶ تا ۱۳/۷ درصد بوده و به مقادیر بین ۸۹ تا ۱۰۱ میلیون دلار خواهد رسید.

جمع‌بندی و ملاحظات

بر اساس نتایج حاصله، علیرغم افزایش حجم تجارت و صادرات ایران به کشورهای عضو موافقت‌نامه TPS/OIC، بدلیل افزایش بیشتر واردات نسبت به صادرات، کسری تراز تجاری ایران با کشورهای مذکور تشدید خواهد شد. این امر به دلیل بالا بودن متوسط تعرفه‌های ایران نسبت به متوسط تعرفه‌های سایر اعضای موافقت‌نامه می‌باشد و کاهش سراسری تعرفه‌ها در این شرایط سبب می‌شود که مجموع اثرات ایجاد و انحراف تجارت در بازار ایران به نفع اعضای موافقت‌نامه (افزایش در واردات ایران) بیش از مجموع این اثرات در بازار اعضای موافقت‌نامه به نفع ایران (افزایش در صادرات ایران) باشد.

در بین کشورهای عضو موافقت‌نامه، نقش ترکیه بعنوان یکی از مهمترین شرکای تجاری ایران بسیار حائز اهمیت است زیرا بر اساس آمار موجود بیش از ۶۰ درصد از کل تجارت ایران با اعضای موافقت‌نامه مربوط به این کشور بوده و بدلیل آنکه از یک سو از این حجم تجارت حدود ۶۳ درصد مربوط به واردات ایران بوده و از سوی دیگر متوسط تعرفه‌های ایران بر واردات از ترکیه نیز بسیار بالاتر از متوسط تعرفه‌های ترکیه بر واردات از ایران می‌باشد، لذا پس از کاهش سراسری تعرفه‌ها در قالب موافقت‌نامه، واردات ایران بسیار بیشتر از صادرات ایران به آن کشور افزایش خواهد یافت. نتایج مطالعه نشان می‌دهد برغم اینکه پس از کاهش سراسری تعرفه‌ها در قالب موافقت‌نامه، بیش از ۶۰ درصد از کل افزایش حجم تجارت ایران با اعضای موافقت‌نامه مربوط به ترکیه خواهد بود، اما تنها ۱۲ درصد آن مربوط به صادرات به ترکیه بوده و مابقی مربوط به واردات از ترکیه می‌باشد. این امر باعث تشدید کسری تراز تجاری غیرنفتی ایران با کشور مذکور شده بطوریکه حدود ۶۲ درصد از کل افزایش در کسری تراز تجاری غیرنفتی ایران با اعضای موافقت‌نامه را به خود اختصاص خواهد داد. باید به این نکته نیز توجه نمود که هرچند ترکیه نقش بسزایی در افزایش کسری تراز تجاری با اعضای موافقت‌نامه پس از کاهش سراسری تعرفه‌ها خواهد داشت اما حدود ۳۰ درصد از کل افزایش در صادرات ایران در قالب موافقت‌نامه نیز مربوط به صادرات ایران به آن کشور است. بنابراین لازم است در هنگام

مذاکرات جایگاه ویژه‌ای برای ترکیه قائل شد.

نتایج دیگر مطالعه حاکی است که در قالب موافقت‌نامه، درآمدهای تعرفه‌ای ایران نیز کاهش خواهد یافت و در هر دو سناریوی مورد بررسی افزایش واردات ایران قادر به جبران کاهش تعرفه‌ها و تثبیت درآمدهای تعرفه‌ای نخواهد بود. هر چند در مورد کالاهایی که دارای کشتش قیمتی تقاضای بالاتر می‌باشند این کاهش کمتر خواهد بود. در این زمینه نیز با توجه به اینکه حدود ۷۰ درصد از درآمدهای تعرفه‌ای ایران قبل از انعقاد موافقت‌نامه در اثر واردات از ترکیه حاصل می‌شود، نقش این کشور از اهمیت برخوردار است.

نتایج کلی این مطالعه نشان می‌دهد که با توجه به شرایط اولیه مبادلات تجاری بین ایران و سایر اعضای موافقت‌نامه هم از لحاظ حجم تجارت، صادرات و واردات و هم از لحاظ ساختار تعرفه‌ای موجود بین ایران و آن کشورها، مناسب‌تر است بجای کاهش تعرفه‌ها بصورت سراسری، کاهش در سطح گروه‌های کالایی و کالاهای خاص صورت پذیرد زیرا در این حالت این امکان وجود خواهد داشت که ایران از سایر اعضای موافقت‌نامه در خصوص کالاهایی درخواست کاهش تعرفه نماید که بیشترین آثار ایجاد و انحراف تجارت در بازار کشورهای مذکور به نفع ایران داشته و باعث افزایش بیشتر صادرات ایران به آن کشورها شوند و همچنین ملاحظات لازم در خصوص کاهش تعرفه آن دسته از کالاهای وارداتی ایران که اثرات ایجاد و انحراف تجارت بیشتری در بازار ایران به نفع آن کشورها و در نتیجه افزایش بیشتر در واردات ایران از آن کشورها را باعث می‌گردند، صورت پذیرد.

نتایج در سطح کالایی از اهمیت کالاهای کشاورزی در صادرات ایران به اعضای موافقت‌نامه حکایت دارد. این نتایج حاکی است که اگرچه کالاهای کشاورزی ۱۸ درصد از کل صادرات اولیه ایران به اعضاء را تشکیل می‌دهند، اما پس از کاهش‌های تعرفه‌ای در قالب موافقت‌نامه، بیش از ۳۵ درصد از کل ایجاد تجارت در بازار کشورهای مذکور به نفع ایران را به خود اختصاص خواهند داد. در این خصوص، بیشترین افزایش در صادرات ایران در قالب موافقت‌نامه مربوط به انگور، پسته، گردو و نخود خواهد بود. هر چند چهار محصول مزبور در مجموع ۹/۵ درصد از کل صادرات اولیه ایران به اعضای موافقت‌نامه را

تشکیل می‌دهند اما پس از کاهش تعرفه‌ای در قالب موافقت‌نامه، ۱۴ درصد از کل ایجادتجارت به نفع ایران در بازار آن کشورها را به خود اختصاص خواهند داد. در امر صادرات از محصولات صنعتی، معدنی و شیمیایی نیز نباید غافل شد. در زمینه کالایی مانند اجزاء و قطعات ماشین آلات و دستگاهها (کد ۸۴۸۵۹۰)، فرآورده‌های نفتی غیرخام (کد ۲۷۱۰۲۶)، برخی از انواع تراکتورها (کد ۸۷۰۱۹۰) و هیدروکربورهای حلقوی (کد ۲۹۰۲۴۳) بیشترین آثار ایجاد و انحراف تجارت در اعضای موافقت‌نامه به نفع ایران و در نتیجه افزایش در صادرات ایران را خواهند داشت که لازم است در هنگام مذاکرات از توجه ویژه برخوردار شوند.

همچنین نتایج حاکی است که برخی از کالاهای وارداتی ایران شامل برنج (کد ۱۰۰۶۳۰)، پارچه استخوانبندی لاستیک چرخ (کد ۵۹۰۲۱۰)، صفحه‌ها و ورقه‌های نازک پلاستیکی (کد ۳۹۲۰۲۰)، سولفات باریم (کد ۲۵۱۱۱۰)، پارچه‌های تار و پودباف از پنبه (کد ۵۲۰۹۴۲)، اجزاء و قطعات و متفرعات و وسایل نقلیه موتوری (کد ۸۷۰۸۹۹)، محورهای محرک و وسایل نقلیه (کد ۸۷۰۸۵۰) و سوپرفسفاتها (کد ۳۱۰۳۱۰)، شاسی‌های موتوردار (کد ۸۷۰۶۰۰) بیشترین تأثیر را از بعد ایجاد و انحراف تجارت از کاهش تعرفه‌ها می‌پذیرند؛ این کالاها در مجموع بیش از ۲۰ درصد از حجم واردات ایران از کشورهای عضو را تشکیل می‌دهند و چنانچه مشمول کاهش تعرفه‌ای قرار گیرند، حدود ۴۰ درصد از کل ایجادتجارت در بازار ایران به نفع سایر اعضای موافقت‌نامه را به خود اختصاص خواهند داد و باعث افزایش شدید واردات ایران از کشورهای مذکور خواهند شد و چنانچه در فهرست استثنائات کاهش تعرفه‌ای قرار گیرد، اثر قابل ملاحظه‌ای در کاهش کسری تراز تجاری ایران با مجموع کشورهای عضو موافقت‌نامه خواهند داشت. واردات کالاهای مذکور از کشورهای مختلف عضو موافقت‌نامه صورت می‌پذیرد بطوریکه به ترتیب برنج از پاکستان، پارچه استخوانبندی لاستیک چرخ، اجزاء و قطعات و وسایل نقلیه موتوری، محورهای محرک و وسایل نقلیه و شاسی‌های موتوردار برای وسایل نقلیه موتوری از ترکیه، صفحه‌ها و ورق‌های نازک پلاستیکی و پارچه تاروپود باف پنبه‌ای از ترکیه و پاکستان، سولفات باریم از سنگال، سوپرفسفاتها از تونس و مراکش صورت می‌پذیرد.

منابع

- ارباب، حمیدرضا (خرداد ۱۳۸۰)؛ *منافع اقتصادی ایران از گسترش روابط تجاری تجاری با کشورهای اکو*، پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- اشرف زاده، سید حمیدرضا (فروردین ۱۳۷۵)؛ *"اثرات الحاق اسپانیا و پرتغال به جامعه اروپا (EC) بر صادرات پسته ایران به جامعه اروپا (۱۹۹۰-۱۹۹۸)"*، مجموعه مقالات سمینار شناخت استعدادهای بازرگانی-اقتصادی استان کرمان، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، اداره بازرگانی استان کرمان و دانشگاه شهید باهنر.
- ثاقب، حسن و سیف‌اله صادقی یارندی (۱۳۸۴)؛ *"بررسی آثار موافقت‌نامه تجارت ترجیحی دو جانبه ایران و پاکستان: با استفاده از مدل شبیه سازی اسمارت"*، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۸، بهار، صفحات ۲۹۴-۲۵۹.
- ثاقب، حسن (۱۳۸۴)؛ *ایجاد تجارت و انحراف تجارت در موافقت‌نامه تجارت ترجیحی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی (TPS/OIC): با استفاده از مدل اسمارت در قالب سناریوهای کاهش تعرفه‌ای*، طرح تحقیقاتی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- زاهد طلبان، علی (۱۳۸۲)؛ *"منطقه گرایی در نظام تجاری چندجانبه"*، ماهنامه بررسیهای بازرگانی، شماره ۲، مهر و آبان.
- محبی، منیره (۱۳۷۴)؛ *ارزیابی اثرات عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی (با تأکید بر کالاهای کشاورزی)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی (۱۳۸۲)؛ *مقررات صادرات و واردات و جداول ضمیمه آن بر اساس سیستم هماهنگ شده توصیف و کدگذاری کالا*، بر اساس آخرین تصویب نامه هیات وزیران.
- Bhagwati, J. and Panagariya, A. (1996); "Preferential Trading Areas and Multilateralism: Strangers, Friends or Foes?", Papers Provide by Columbia - Department of Economics.

- Busse, M. Huth and M. Koopmann, G. (2000); "Preferential Trade Agreements: The Case of EU-Mexico", HWWA Discussion Paper, *Hamburgisches Welt-Wirtschafts Archiv*, Hamburg Institute of International Economics.
- Chacholiades, Miltiades. (1990); *International Economic*, McGRAW-HILL. International series in business and economics.
- Gumede, V. (2000); "Import Performance and Import Demand Functions for South Africa", *TIPS Working Paper*, No. 9.
- Jachia L. and Teljeur E. (1998); "Free Trade between South Africa and The European Union Quantitative Analysis", *TIPS Working paper*, No. 11, July.
- Panagariya, A. (1995); "Rethinking the New Regionalism", *UNDP-World Bank Trade Expansion Project Conference*, World Bank, Washington, D.C.
- Stern, R. M. and others (1976); *Price Elasticities in International Trade*, London: Basinstoke.
- Sung-Hoon Park (2001); *Regionalism, Open Regionalism*, Korea University, Oct.
- Trade Sim (2000); *The ITC Simulation Model of Bilateral Trade Potentials*, Feb.
- Tsikata, Y. M. (1999); "Southern Africa: Trade, Liberalization and Implications for A Free Trade Area", *TIPS Annual Forum at Glenburn Lodge*, Muldersdrift 19-22 September.
- Van Seventer, D. E. and Thembi, M. (2001); "A Free Trade Area Between South Africa and India: Which Commodities Matter?", *TIPS Policy Review Workshop*, August.
- WTO (2003); *Secretariat World Trade Report*.